

بررسی نقش پلیس در جامعه ایرانی و سطح بین‌المللی در پیشگیری از وقوع جرم

ایمان سلمانی

کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد بین‌الملل بندرانزلی، گیلان، ایران

چکیده

مفهوم جرم در لغت به معنای "تجاوز و گناه"، "قطع کردن، وادار کردن"، "ذنب، تعدی، بزه، جناح، عصیان، اثم، مأثم، معصیت و خطا" می‌باشد. در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. پیشگیری هم در لغت به معنای "جلوگیری، عمل پیشگیر، دفع، منع، تقدم به حفظ" آمده است. وقوع جرم پدیده‌ای تاریخی و جهانی است که از چالش‌های اساسی زندگی امروزه متفاوت و عمدتاً رویکرد کیفر و مجازات غالب بوده است با توجه به افزایش دایمی جرم و جنایت، عدم کارایی ثابت شده است. هدف از این پژوهش بررسی نقش پلیس در اجتماع و پیشگیری از وقوع جرم در ایران و در سطح بین‌المللی می‌باشد که آیا پلیس قضایی می‌تواند تاثیر مثبتی در روند مسائل اجتماعی مردم گذاشت که جرم کاسته شود یا خیر؟ در این میان توجه به چالش‌های اساسی حوزه پیشگیری و مقابله با جرم، مراکز دخیل در این مسئله، چشم‌انداز اولیه و چشم‌انداز مطلوب نقشی بسیار مهم در مدیریت علمی و صحیح این حوزه داشته و بخش مهمی از مشکلات امنیتی کشور را حل خواهد کرد که در این مقاله به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: جرم، پیشگیری، پلیس، کیفر، مجازات، امنیت، اجتماع، اروپا.

۱- مقدمه

در چند دهه اخیر رویکرد کشورها به سمت پیشگیری تغییر کرده است. در ایران به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم به عهده قوه قضاییه است. مصوب ۷ شهریور ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی قانون پیشگیری از وقوع جرم تدوین شده است. شناخته شده ترین شیوه های پیشگیری از جرم عبارتند از: (۱) پیشگیری کیفری که بر کیفر مجرمان و تقویت قوه قهریه پلیس مبتنی است؛ (۲) پیشگیری اجتماعی که بر انجام و ارائه برنامه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و... برای کاهش زمینه های جرم مبتنی است؛ (۳) پیشگیری وضعی که بیشتر به قربانیان جرم توجه کرده و در صدد است که با کاهش موقعیت های جرم زای بالقوه به قربانیان کمک نماید. تاثیر منفی افزایش جرم بر امنیت تأثیری غیر قابل انکار است (ذوالقدر و همکاران، ۱۳۹۳)

قدمت تلاش برای پیشگیری از جرم، بی تردید طولانی بوده و نشانه های آن را می توان در جوامع انسانی مختلف مشاهده کرد. بسیاری از رفتارهای انسانی ممکن است تحت تأثیر پیشرفت علم تحولات جامعه و ظهور و ورود فناوری های جدید لباس جرم به خود ببوشند و یا مشمول جرم زدایی گردد. بزهکاری حاصل بیماری و اختلالات روانی، جسمانی و یا کمبودهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی فرد در فرآیند اجتماعی شدن تلقی می شود. رفتار آنان از لحاظ اجتماعی منطبق و هماهنگ با هنجارهای قانونی است، لیکن به دنبال اجتماع همزمان اوضاع و احوال جرم زای بیرونی، قدرت خود کنترلی جهت تسلط بر میلی که آنان را به سمت ارتکاب می برد، از دست می دهند (محسنی، ۱۳۹۲).

انسان ها همیشه سعی میکردند تا چه به شکل فردی و چه گروهی، از اموال خود در برابر تهدیدات و اعمال مجرمانه محافظت کنند. بر همین اساس فهرست متعدد از ابتکارات پیشگیرانه در طول زمان را میتوان استخراج کرد. بعنوان مثال در ابتدای قرن دهم در انگلیس، حلقه ها و گروه هایی از مردان در وسط شهر جهت پیشگیری از تعرضات احتمالی به اموال و اشخاص تشکیل میشد. این گروه به محض اینکه به فردی مشکوک می شدند با صدای بلند هشدار داده و فریاد می کشیدند و فرد را دستگیر می کردند. در خارج از انگلیس نیز گزارش های متعددی مبنی بر تشکیل گروه های شبه نظامی با هدف پیشگیری از ارتکاب اعمال مختلف قواعد جاری جامعه وجود دارد. مدتها بعد تلاش شد این ابتکارات شهروندان در یک چارچوب مشخص درآید و مداخلات دولتی جایگزین آن گردد. در همین راستا، مجموعه اقدامات رئیس پلیس لندن، رابرت پیل، در ارتباط با سازماندهی این شهر حول محور پیشگیری موجب شد تا از وی به عنوان مبتکر پلیس محلی یاد شود. بدین ترتیب ملاحظه شد که پیشگیری همزاد بشری بوده و به طور ناخود آگاه همراه بشر توسعه یافته است. (ابراهیمی، ۱۳۹۳)

پیشگیری از جرم یکی از راه هایی است که بشر از دیرباز برای جلوگیری از جرم در نظر داشته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲).

مددکاران محلی این اصطلاح حرکتی متمایز از فرآیند مددکاری اجتماعی است که ابتدا با نام " **Community development** " و به بهانه ی ایجاد زندگی بهتر در کشورهای مستعمره ی پس از جنگ جهانی دوم از سوی نیروهای اشغال گر انگلیسی، در افریقا و جنوب شرقی آسیا به اجرا در آمد و هدف اساسی آن ترویج فرهنگ وابستگی در آن کشورها بود. با این حال این برنامه امروزه عمدتاً با هدف فراهم آوردن زمینه ی تحول و رشد برنامه های محلی به حیات خود ادامه می دهد (شیخ الاسلامی؛ ۱۳۹۴).

در اوایل دهه ۷۰ میلادی بود که "جرم شناسی پیشگیری" بعنوان رشته ای خاص، درون جرم شناسی نظری، مطرح شد. به نظر می رسد مهم ترین پرداختن به روش های پیشگیرانه جرم "ناکامی پاسخ های نظام عدالت کیفری" از یک سو و "افزایش آمار جرایم و نگرانی های عمومی" از سوی دیگر است (جوان جعفری و همکاران؛ ۱۳۹۱).

در سال های اخیر، شهرها با افزایش ملموس جرم و بزهکاری مواجه شده اند و این امر احساس ناامنی و بی اعتمادی به پلیس را دامن زده است. بحران بی اعتمادی به پلیس، با رشد فزاینده نقش شرکت های خصوصی و امنیتی در موضوعات امنیتی و کاهش نقش دولت، تشدید میشود. در مناطق شهری، آشکارترین دغه دغه بیان شده توسط مردم، ناتوانی پلیس در تأمین امنیت و در نقاط خاصی از شهر و به ویژه در محله های فقیر نشین است. ناراحتی عمومی دیگر در مورد تمرکز پلیس بر "جرایم کلان" است که این تمرکز افراطی، منجر به غفلت پلیس از بزهکاری روزمره و اوباشی گری می شود. فساد و سوء استفاده از قدرت نیز چهره پلیس را مخدوش می کند. در مواجهه با ناامنی فزاینده و بحران در مورد نقش پلیس، دولت، پلیس، مقامات محلی به این نتیجه رسیده اند که هم نیاز به تمرکز زدایی دارند و هم باید نقش نهادهای جامعه مدنی در پیشگیری از جرم را به رسمیت بشناسند (محمدنسل؛ ۱۳۹۱).

۲- ادبیات تحقیق

ضمن تحقیق و تفحصی که اینجانب راجع به سابقه تحقیق، این پژوهش داشتم به پژوهش ها و مقالاتی برخورد نمودم که تحقیقات و نگارشات نسبتاً پراکنده در این مورد داشتند، ولی به صورت جامع و کامل ارائه نشده اند که از آن جمله:

- فرید محسنی (۱۳۹۴) در کتاب "جرم شناسی" ضمن پیشگیری اجتماعی و وضعی به دنبال کاهش یا از بین بردن علت های فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزهکاری است که میتوان با در نظر گرفتن شرایط وضعیت افراد جامعه و محیط، پیشگیری لازم را اجرایی کرد.

- غلامرضا محمدنسل (۱۳۹۱) در کتاب "پلیس و پیشگیری از جرم" ضمن بیان نقش پلیس به عنوان مهم ترین نهاد مجری پیشگیری از جرم به رویکردهای موجود در این زمینه را بررسی کرده است. در این مقاله رویکرد عمده پلیس برای پیشگیری از جرم به همراه راهکارهای اجرایی آن ذکر شده است. مؤلف در این کتاب این گونه نتیجه می گیرد که آگاهی از رویکردهای پلیسی پیشگیری از جرم بسیار سودمند است و زمانی می تواند مؤثر واقع شود که به مؤلفه های اصلی در این زمینه از جمله تناسب با فرهنگ جامعه، نحوه بومی سازی راهکارها، مقدرات و تجهیزات پلیس و... توجه شود.

۳- روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از مطالعه به روش کتابخانه ای سعی شده به جمع آوری اطلاعات از منابع معتبر حقوقی در حقوق ایران و سطح بین المللی پرداخته ام و مطالب جمع آوری شده بررسی و تجزیه و تحلیل شده است؛ بنابراین روش تحقیق، روشی توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گردآوری داده ها با توجه به نوع تحقیق و مراجعه به منابع و ماخذ علمی، شامل کتاب، مجلات و نشریات موجود در کتابخانه ها و هم چنین سایت های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر، خواهد بود، برای جمع آوری اطلاعات بعد از ماخذشناسی و گردآوری منابع، از ابزار فیش و فرم های مربوطه، به نکته برداری استفاده شده است. بدین صورت که بعد از ماخذیابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده سازی فیش ها، مرحله فیش برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک ها و روش های علمی تنظیم شده است. بعد از جمع آوری اطلاعات و تنظیم از طریق فیش برداری و فرم های مربوطه، طبقه بندی شده و اطلاعات و مطالب در بخش های مختلف آورده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است.

۴- انواع پیشگیری

مبنای این شیوه از تقسیم براساس روش های اقدام و دامنه اثربخشی است که دارای انواع گوناگونی است.

۱-۴- پیشگیری اجتماعی^۱

پیشگیری اجتماعی به دنبال کاهش یا از بین بردن علت های فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزهکاری است. پیشگیری اجتماعی یک پیشگیری کنشی فردمدار است بدین صورت که با بهره گیری از تدابیر اقدام های پیشگیرانه درصدد شخصیت سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل گیری شخصیت افراد است. پیشگیری اجتماعی مربوط به عوامل جرم زاست از این رو برنامه های این نوع پیشگیری به صورت ۲ مرحله ای انجام می گیرد به این صورت که در مرحله اول اقدام به شناسایی عوامل جرم زا می کند و در مرحله دوم شروع می کند به ساماندهی اقداماتی که هدفشان هدایت کردن آثار این عوامل از طریق خنثی کردن و کنار زدن آنهاست. این پیشگیری بدین جهت پیشگیری اجتماعی نامیده شده است که نتیجه تجربه های اجتماعی بدون مداخله بخش های پلیس و دادگستری برای مبارزه با ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط آنهاست. این شکل از پیشگیری اساساً بر بسیج اشخاص و گروه هایی استوار است که می توانند در خصوص رفع موانع مشارکت عمومی در توسعه پایدار و ایجاد جوامع سالم و پایدار کمک کنند. این راهبرد پیشگیری، عموماً شامل پیروی از سیاست های منسجم اجتماعی و برنامه های توسعه ای است که می توانند به برنامه های بین نهادی تبدیل شده و منافع جامعه بزرگتر را تأمین کنند، از قبیل بخش های اشتغال، آموزش و پرورش، طراحی شهری، مسکن، بهداشت، حمایت از جوانان، رفع محرومیت اجتماعی، پلیس و دادگستری عبارت است از روش ها و اقدامات انجام شده توسط سازمان ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، خارج از نظام کیفری باهدف کاهش عوامل خطرناک و زمینه ساز اعمال مجرمانه یا خشونت بار. پیشگیری رشد مدار (رشدنگر) یکی از مهم ترین انواع پیشگیری اجتماعی است (محسنی، ۱۳۹۴). نظریه ی فضای قابل دفاع نیومن در سال ۱۹۷۲ ارائه شد. وی معتقد بود فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن ها بیشتر باشد و درضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورد، پتانسیل تغییر ساختار محیط شهری را به گونه ای می دهد که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه های خاص سهیم اند تعریف گردد. نیومن ۳ فاکتور افزایش جرم را در مرحله های مسکونی چنین بر می شمارد:

- بیگانگی: مردم همسایگانشان را نمی شناسند.
- عدم وجود نظارت: مکان های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی و بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می کند.
- دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه ی جرم را به سرعت ممکن می کند (محمدنسل؛ ۱۳۹۱).

۲-۴- پیشگیری وضعی^۲

این شکل از پیشگیری مبتنی بر تجزیه و تحلیل راهبردی از منطقه برای شناسایی و تعیین فرصت های ارتکاب جرم و اشخاص و وضعیت های در معرض خطر و به دنبال تغییر شرایط جرم زا، از طریق حمایت بهبود یافته از آماج جرم (اشخاص یا اموال) است. هدف این نوع پیشگیری، اعمال مکانیسم های پیشگیری متکی بر جامعه برای کاهش جرم و بی نزاکتی است. پیشگیری وضعی پایدار، مستلزم تهیه فهرست مسئولیت و توانایی ساکنین محلی جهت مراقبت از امنیت عمومی در جامعه است (محمدنسل، ۱۳۹۱). به مجموعه اقدامات کاهش دهنده فرصت ارتکاب انواع خاص جرم اطلاق می گردد. فرآیند کاهش فرصت، از طریق مدیریت طراحی یا دگرگون سازی محیط به اصولی ترین شیوه ممکن تحقق می باید. بدین ترتیب ارتکاب جرم، به قضاوت تعداد زیادی از مجرمین، دشوارتر، خطرناک تر یا دارای مزایا، پاداش، قابلیت بخشش و معافیت کمتر می گردد. لازم به ذکر است که پیشگیری وضعی و محیطی در مواردی دارای هم پوشانی می باشند (محسنی، ۱۳۹۴). این پیشگیری از نظر "رونالد کلارک" عبارت است از:

^۱. Social Prevention

^۲. Situational Prevention

الف) افزودن بر میزان تلاش بزهکار برای رسیدن به هدف

- غیرقابل دسترس کردن جرم؛ نظیر نصب قفل ایمنی برای خودرو، اتاق نشکن برای تلفن همگانی
- کنترل اماکن، نظیر نرده کشی؛ استفاده از کارت هوشمند در ورودی آپارتمان
- تغییر جهت اعمال مجرمانه به غیر مجرمانه؛ نظیر جلوگیری از شعرنویسی تبلیغاتی در مکان های غیرمجاز
- کنترل ابزار ارتکاب جرم؛ نظیر عکس دار کردن کارت شناسایی

ب) افزودن بر خطر ارتکاب جرم از قبیل دستگیر شدن

- نظارت بر ورودی و خروجی ها؛ نصب برچسب الکترونیکی روی کتاب
- استفاده از گشت پلیس و ابزاری دیگر مانند دزدگیر
- نظارت به وسیله ی کارکنان و توقفگاه ها
- نظارت طبیعی مثل روشنایی معابر

پ) کاستن از دستاورد های مورد انتظار جرم

- جابه جایی آماج جرم؛ مثل برداشتن سیستم پخش خودرو
- نشانه گذاری اموال؛ مثل داغ کردن حیوانات یا رنگ کردن آن ها
- کاستن از موارد تحریک آمیز، مثل اینکه ذکر جنسیت در دفتر تلفن می تواند باعث ایجاد مزاحمت گردد
- بلا استفاده کردن وسایلی که وسیله ی ارتکاب جرم قرار می گیرند؛ مثل رمز گذاشتن برای کامپیوتر

ت) کاهش جاذبه جرم

- اعلام مقررات گمرکی در مبادی ورودی یا سیستم خود اظهاری مالیاتی
- اندرز و هشدار؛ مثل نصب تابلو در مغازه که مجهز به دوربین است
- کنترل عوامل مباح کننده؛ مثل حداقل سن برای انجام برخی امور نظیر خرید سیگار
- تسهیل رعایت قانون؛ مثل نصب وسایل خودکار در کتابخانه جهت تسریع در بازرسی (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴).

۵- نقش پلیس در ایران

کنترل پلیسی رویکردی محور است که در آن نهاد پلیس علاوه بر بهره گیری از ابزارهای تعریف شده در نظام عدالت کیفری، از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل ایجادکننده جرم استفاده می کند و در تلاش است تا از رهگذر تغییر در ساختارهای سازمانی و روش های اجرایی، خود را در قبال شهروندان مسئول کند، تا در ادامه بتواند از مشارکت حداکثری اجتماع در کنترل عوامل ایجادکننده جرم بهره ببرد. مأموران تفتیش و کشف جرائم و اقدامات راجع به جلوگیری متهم از فرار و پنهان شدن که عبارتند از دادستان شهرستان، دادیاران، بازپرس، کلانتران شهربانی، صاحب منصبان ژاندارمری، مأموران مذکور را ضابطین دادگستری هم می نمایند. در ایران نیز لایحه پیشگیری از وقوع جرم تشکیل سازمان پیشگیری از جرم پیش بینی شده است. به موجب ماده ۴ لایحه برای نظارت بر اجراء دقیق مصوبات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، کمک به پیشبرد راهبردها و سیاست ها و برنامه های محلی و منطقه ای پیشگیری، مطالعه و پژوهش در حوزه های راهبردی پیشگیری، با ادغام ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ستاد مبارزه با موادمخدر و با استفاده از امکانات فعلی آنها و قوه قضاییه، سازمان پیشگیری از وقوع جرم با وظایف های متعدد در قوه قضاییه تشکیل می شود (روزبهبانی و همکاران، ۱۳۹۴).

نظام جمهوری بر اسلامی ایران نیز با تکیه بر این موضوع که "اصلاح و درمان بهتر از کیفر و پیشگیری بهتر از درمان است" در وضع قوانین بر پیشگیری از جرایم توجه بیشتری کرده و جایگاه خاصی در وضع قوانین برای آن در نظر گرفته است. امروزه سیاست جنایی تنها اقدامات رسمی دولتی را شامل نمی شود و بلکه مشارکت های مردمی را هم در پیشگیری از جرایم مدنظر دارد.

نیروی انتظامی به عنوان کامل ترین و بارزترین مصداق ضابطین عام دادگستری می باشد و صلاحیت اقدام در مورد کلیه ی جرایم به جز آنچه که قانون منع کرده است، دارد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ با ادغام شهربانی، کمیته و ژاندارمری شکل گرفت و نیروهای مسلح دیگری که درارتباط با قوه قضاییه (پلیس قضایی)، وزارتخانه ها وسازمانها و نهادها و موسسات مختلف فعالیت می کردند ضمیمه نیروی انتظامی شدند نیروی انتظامی سازمانی مسلح تابع فرماندهی کل قوا، وابسته به وزارت کشور است هدف از تشکیل نیروی انتظامی استقرار نظم و امنیت در قلمرو کشور میباشد وظایف آن در همین قانون ضمن ۲۶ فراز مشخص شده است. وقتی به این وظایف توجه شود مجموع آنها در چهار بخش ذیل قابل جمع اند.

- وظایف دایر بر تجهیز و تقویت نمودن خود نیروی انتظامی.
- وظایف در پیشگیری از جرم و استقرار امنیت.
- وظایف در کشف و تعقیب جرایم.
- وظایف متفرق، هماهنگی و همکاری با دیگر سازمان ها.

ناجا از حیث فرماندهی و تجهیز، با فرماندهی کل قوا است، از جهت دو وظیفه دیگر: پیشگیری از جرم و تعقیب جرایم بازوی قوه قضاییه می باشد.^۱ قانون اساسی مطابق اصل ۱۵۶ با واگذاری پیش گیری از وقوع جرم به قوه قضاییه امور امنیت کشور را ضمیمه قوه قضاییه ساخته و قوه قضاییه دیگر در حد وزارت دادگستری قبل از انقلاب نیست، در آخر چون وزارت کشور از قبل بر طبق قوانین عادی که هنوز با قانون اساسی جمهوری اسلامی تطبیق نشده امور امنیتی کشور را عهده دار بوده همچنان این وظایف را انجام می دهد و کسی هم در صدد تطبیق این نوع قوانیم با قانون اساسی نشده وقتی تقریباً تمام وظایف نیروی انتظامی در ارتباط با قوه قضاییه است دلیلی ندارد که این نیرو در اختیار وزارت کشور باشد. ماده ۴ قانون نیروی انتظامی شقوق مختلف تأمین امنیت کشور را بیان کرده است و در بند ۸ مقرر می دارد: انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

- الف- مبارزه با مواد مخدر
- ب- مبارزه با قاچاق
- ج- مبارزه با منکرات و فساد
- د- پیشگیری از وقوع جرم
- ه- کشف جرایم
- و- بازرسی و تحقیق
- ز- حفظ آثار و دلایل جرم
- ح- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها
- ط- اجرا و ابلاغ احکام قضایی
- ی- انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم

^۱ - ماده ۱ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ک- مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصار یا اقتصادی دریاها

ل- اجرای قوانین و مقررات قوانین مربوط به گذرنامه (به جز گذرنامه سیاسی و خدمت) و ورود و اقامت اتباع خارجی (باهم‌هنگی وزارت امور خارجه در مورد اتباع خارجی تحت پوشش دیپلماتیک) با هم‌هنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه)

م- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزین و حفظ حریم راه‌های کشور

ن- اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی

س- نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب

ع- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور

غ- همکاری با دبیرخانه پلیس بین الملل

ض- همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و شهرداری‌ها در حدود قوانین و مقررات مربوط

ق- تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی

ر- تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروهای انتظامی

لذا برطبق قانون جدید نیروی انتظامی، تمامی پرسنل این نیرو ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند بلکه فقط فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی و معاونین آنها چنین سمتی را دارند افرادی مثل افسر نگهبان و نیروی‌های گشتی که ابلاغ فرماندهی یا معاونت پاسگاه را ندارند ضابط دادگستری محسوب نشده‌اند و این موضوع مورد توجه قانون آیین دادرسی کیفری سابق بود اما در قانون جدید معترض آن نشده است و در بند یک ماده ۱۵ بطور عام نیروی انتظامی را ضابط دادگستری شناخته است.

بنابراین وظایفی که از طرف مراجع قضایی به فرماندهان یا معاونین پاسگاه محول می‌گردد قابل ارجاع به رده‌های پایین‌تر هم هست و این افراد هم ضابط دادگستری محسوب‌اند و رسیدگی به تخلفات و جرایم آنها در دادگاه عمومی خواهد بود^۱ (حضرتی و همکاران، ۱۳۹۱).

۶- نقش پلیس در سطح بین الملل

از بیست سال پیش، در پاسخ به فشار مضاعف افزایش جرم و ترس از جرم، کاهش بودجه، رشد پاسخگویی نهادهای عمومی و درخواست امنیت عمومی، ادارات پلیس در بیشتر کشورهای غربی، تغییر کرده و سازماندهی مجدد یافته‌اند. در همین مدت، حرکت به سوی پیشگیری از جرم قوت گرفته و حتی در تعریف پیشگیری (جهت انطباق با اعمال قانون و اعمال مجازات)، سازمان‌های پلیس دعوت به همکاری برای مبارزه با عوامل خطر می‌شوند. همه این موارد، منجر به طرح سؤال در مورد ساختارها و سیاست‌های نیروهای پلیس مخصوصاً (در رابطه با نقش آنها در پیشگیری از جرم) شده است. کسب قابلیت دید بالاتر و مشارکت دادن شهروندان، برخی از ۵ دیدگاه پیش‌کنشی تغییرات انجام شده در راستای تحول نیروهای پلیس هستند. از اواخر دهه ۱۹۷۰، راه حل‌های جدید پلیس جامعه محور، پلیس مبتنی بر حل مسئله و پلیس محله را در بر گرفته‌اند و برای نخستین بار در ایالات متحده، انگلستان و فرانسه و سپس در کانادا، استرالیا و هلند اجرا شده است (ذوالقدر، ۱۳۹۳)

مرکز بین المللی پیشگیری از جرم که در سال ۱۹۹۴ جهت کمک به شهرها و کشورها برای کاهش بزهکاری، جرائم خشونت آمیز و نا امنی ایجاد شد، اطلاعات مربوط به ابتکارات جدید را که می‌تواند بطور موثری عوامل خطر بزهکاری و بزه دیدگی، اجزای کلیدی برنامه‌های ابتکاری پیشگیرانه و مناسب تری ن راهبردهای حمایتی را مورد هدف قرار دهد،

^۱ - ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران

تعیین، تحلیل و منتشر می‌کند. انجام این مأموریت از طریق اجرای چهار برنامه اصلی حاصل شده است: تحلیل مقایسه ای تجربیات و رویکردها، شناسایی و تحلیل بهترین تجربیات در سطح بین المللی، مساعدت تکنیکی و راهبردی به شهرها و دولت ها و تبادل تجربیات. سمینارهای پلیس و پیشگیری، بخشی از برنامه تبادل تجربیات است که دانش مشترک را در سطح بین المللی افزایش می‌دهد (کی نیا، ۱۳۹۳).

قانون گذار برای اطمینان از این که کلیه اعضای نیروی پلیس وظایف محوله قانونی را به انجام برسانند و درکنار آن نقش موثرتری در جامعه ایفا نمایند به آن اخلاق پلیسی می‌گویند^۱. برای نزدیک شدن به مفهوم کلی پلیس مدرن، درک زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مسئله مهم است. سازمان های معاصر پلیس با درک چالش های تحمیل شده امنیتی، از راه های جدیدی برای سازماندهی و انجام وظیفه در جامعه استفاده میکنند. اقدام در مورد همه این پدیده ها، مستلزم اتخاذ راهبردهای اقدام مشترک، مشارکت قوی، مدیریت کارآمد منابع پلیس و درگیرشدن پلیس در برنامه های پیشگیرانه امنیت محلی است.

سازمان های مدرن پلیسی بیش از ۱۵۰ سال پیش از انگلستان سرچشمه گرفتند. باتشدید بی نظمی های اجتماعی، مدیران دادگستری و پلیس به این فکر افتادند که تنها یک پلیس پیشگیری توان حمایت از جامعه را دارد. در لندن به دنبال تصویب قانون پلیس کلان شهر لندن، یک سازمان حرفه ای پلیس تأسیس شد. در آن زمان نیروی پلیس جدید مدعی مبارزه با جرم از طریق نیروی نظامی و شدت ضمانت های اجرایی نبود، بلکه به دنبال پیشگیری از جرم بود (محمدنسل، ۱۳۹۱). در گزارش شورای شهرداران فرانسه در سال ۱۹۹۳، برای پلیس نقش سه وجهی پیشگیری، اعمال قانون و برقراری نظم و انسجام در جامعه، لحاظ شده است و از اینجا روشن می‌شود که پلیس نه تنها در بعد اجرای قانون، بلکه در دو بعد دیگر هم باید نقش خود را ایفا کند. پلیس به عنوان نهاد پیشتاز جامعه، وسیله ایجاد انسجام اجتماعی است و می‌تواند اقدام به پیشگیری از جرم کند؛ اما چگونه؟ کدام سازماندهی از یک راهبرد پیشگیرانه واقعی، به بهترین وجه حمایت می‌کند؟ اینها سئوالاتی هستند که در بخش دوم سند ذکر شده و به جای درج پاسخ، از شرکت کنندگان خواسته شده است که در مورد این مسائل تأمل کنند. این سئوالات نخست بر مشارکت (کلمه رمز پیشگیری موثر از جرم) تمرکز و دعوت به ایجاد یک انقلاب فرهنگی می‌کنند. در فرانسه ابتدا شورای ملی پیشگیری از جرم تحت نظر نخست وزیر فرانسه متولی پیشگیری از بزهکاری بود. از سال ۱۹۹۸ به بعد هیأتی متشکل از چندوزارتخانه مستقر در وزارت شهر و شهرسازی این امر را عهده دار شده است. در انگلیس پیشگیری از جرم را پلیس برعهده داشته و سوئد دارای سازمانی مستقل برعهده دارند. در کانادا سازمان پیشگیری از جرم در وزارت امنیت عمومی استقرار یافته و در استرالیا این سازمان در وزارت دادگستری تأسیس شده است. پیدایش پلیس بین المللی با گسترش وسائل حمل و نقل و وجود استغاده های سرشار در امر قاچاق موجب تغییرات کیفی عظیمی در وضع بزهکاری شده است. در سال ۱۹۲۳ به هنگام دومین کنگره بین المللی پلیس قضایی منعقد و در وین کمیونی تحت عنوان "کمیسیون بین المللی پلیس جنائی" به وجود آمد که مقر آن در همان وین بود. هم اکنون سازمان مزبور تحت عنوان پلیس جنائی بین المللی یا انترپل با شرکت بیش از ۶۶ کشور مشغول بوده و هدف عمده آن همکاری هرچه بیشتر پلیس کشورهای مختلف به منظور مبارزه با بزهکاری می‌باشد. در واقع برای خود نقش واکنشی قابل نیست بلکه نقش خود را در کاهش وقایع مجرمانه بر مبنای شواهد و مستندات و تئوری علمی مناسب تعریف می‌کند. مفهوم ناامنی، ترس از جرم پیوندی عمیق دارند، اگر به مناطق فراموش شده آشفته توجهی نشود کنترل جامعه از دست خواهد رفت. نقش پلیس این است که به حفظ نظم کمک کرده و کنترل های غیررسمی را تقویت کند (جوان جعفری، ۱۳۹۱). پلیس بر مبنای توجه به انتظارات و نیازهای جمعیت در سطح محلی و رفع نیازها اقدام میکند. لذا تعهد اساسی آن نزدیک کردن پلیس به مردم و در گیر کردن آنان در تدابیری که امنیتشان را تأمین می‌کند، می‌باشد. پلیس نباید قلمرو مداخله خود را به بعد از ارتکاب جرم محدود کند بلکه با اولویت بخشی به شناسایی مسائل و معضلات خاص و موقعیت سنجی آن به تجزیه و تحلیل علل ارتکاب و

^۱. Police ethics

ساز و کارهای آن به منظور از گذر زمان از اندیشه به عمل پردازد. پلیس بر جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های مربوط به جرم به منظور پیش بینی خطر وقوع آن در آینده متمرکز است. لذا در همین چارچوب ابزارهای تجزیه و تحلیل جنایی، اطلاعات جغرافیایی و نیز پیش بینی خطر جرم، رشد و توسعه یافته اند (ابراهیمی، ۱۳۹۳). نظام بخشی به جامعه وظیفه اصلی پلیس بوده که شامل اعمال و رفتارهای متعدد می باشد. گکیلیس کار آمد می تواند با عملکرد موفق خود در انجام وظایف، اعتماد و رضایت عمومی را جلب نماید، در حالی که پلیس ناکارآمد علاوه بر صرف هزینه های عمومی قابل توجه، در نیل به اهداف وجودی خود ناموفق بوده و در ایجاد ارتباط سازنده و مؤثر با مردم ناتوان بوده و موجبات نارضایتی افراد جامعه از خود را فراهم می سازد. پلیس باید به نحوی رفتار و عمل نماید تا در اذهان عمومی تصویر و تأثیر مثبت ایجاد نماید؛ بنابراین عملکرد پلیس رویه ای است که براساس فرهنگ مشخص و متعارف بین نیروی های انتظامی تنظیم شده است (تبریزی، ۱۳۹۳). پلیس با دیدن آموزش و تعلیمات قضایی لازم و مناسب، به دلیل مهم بودن شغل و حضور در تمام صحنه های تحقیقات، شهود مورد اعتمادی خواهند بود. پلیس در جامعه می تواند جهت بهبود و راه حل های مناسب با همکاری و مشارکت مردمی امنیت جامعه را از این طریق حفظ کند.

مجموعه ای از جرایم است که براساس شکایت و اعلام جرم بزه دیدگان یا شهود به اطلاع واحدهای انتظامی می رسد و یا مأموران پلیس در حین انجام مأموریت های خود، به نوعی از آن مطلع می شوند. در همین راستا دلایلی وجود دارد که باعث می شود بزهکاری ظاهری شاخص مناسبی برای سنجش میزان بزهکاری به شمار نرود:

- همه ی جرائم به پلیس گزارش نمی شود؛ چرا که درصد زیادی از بزه دیدگان به نظام عدالت کیفری بی اعتماد هستند.
- همه ی جرائم گزارش شده به پلیس ثبت نمی شود؛ چرا که بالا رفتن میزان ثبت جرائم، پلیس را در معرض اتهام ناکارآمدی قرار می دهد و پلیس نیز گرایش به سمت ثبت جرائم خشونت بار دارد.
- ثبت همه ی جرائم و تحقیق جنایی درباره ی آن ها، لزوماً در حوزه ی وظایف پلیس نیست؛ چرا که برخی جرائم ضابط خاص دارند.
- برخی از عناوین پلیس در خصوص بزهکاری با عناوین مجرمانه ی قانونی مطابقت ندارد.
- همه ی جرائم ثبت شده توسط پلیس وصف کیفری ندارند.
- شاخص ها و معیار شمارش جرم در آمارهای نیروی انتظامی منطبق با موازین حقوقی نیست.
- استفاده از ترفندهای پلیس برای پایین نشان دادن میزان جرائم حوزه ی استحفاظی خود.
- آمار جنایی به شدت تحت تأثیر فرهنگ سازمانی حاکم بر این نهاد است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴).

در فرانسه گزارش بون مزون (۱۹۸۲) که پیشنهاد تبدیل شهرها به محل های بهتری برای زندگی از طریق ریشه کن کردن احساس ناامنی را کرد، راه را برای اعمال سیاست سازماندهی سرزمینی به منظور تجویز همکاری های محلی پیشگیری و فعالیت های تأمین امنیت هموار کرد. این راهبرد در روابط بین دولت و مقامات محلی همکاری را به عوض تقابل از اولویت های محلی قرار می دهد (محمدنسل، ۱۳۹۱). در امریکای شمالی، سوئد، هلند و بلژیک، گسترش راهبردهای جدید پلیسی بیشتر بر حل مؤثر مسائل از طریق پلیس مبتنی بر حله مسئله متمرکز است.

انگلستان نمونه ای است از اینکه چگونه مشارکت محلی بین پلیس و واحدهای محلی می تواند به یک نهاد تبدیل شود. قانون مبارزه با جرم و بی نظمی مصوب ۱۹۹۸، تصریح می کند که شهرداری ها و ۴۳ نیروی پلیس محلی که کشور را تحت پوشش قرار می دهند. باید برای تدوین راهبردهای محلی برای کاهش جرم و ناامنی، بایکدیگر همکاری کنند. این راهبردها باید بخش های دیگری مانند بخش بهداشت و دادگستری را نیز در برگیرند. چنین راهبردهایی باید مبتنی بر تحلیل کامل امنیت عمومی بوده و از طریق مشاوره با شهروندان تهیه شوند و بایستی توجه ویژه ای به نظارت بر اجرای اجزای مختلف راهبرد و برآورد نتایج آنها معطوف شود. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیروهای پلیس توانایی شان برای نوآوری و انجام تغییرات

پایدار در حرکت اجتماعی را نشان داده اند و اقدام قاطع آنان در صحنه، نمایانگر رویکردهای جدید مانند اقدام مشارکتی و حل مسئله است. مشارکت محلی پلیس را قادر به درک بهتر تجربیات امیدبخش و مناسب می کند. این برنامه ها محدود گستره ای را برای اقدامات پلیس در زمینه پیشگیری اجتماعی ایجاد میکنند تا بتواند در اتخاذ راه حل هایی که اغلب می تواند منجر به تغییرات ماندگار شود مشارکت کند.

باتوجه به یافته های رایج راه حل های ماندگار برای مسائل مرتبط با خشونت خانوادگی از طریق اقدام مشترک، مأمورین پلیس و مددکاران اجتماعی ایالت انتاریوی کانادا در سال ۱۹۷۳ مرکز خدمات مشاوره خانواده را در شهر لندن بنا نهادند. این گروه وابسته به شهرداری بوده و برای ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به نقش اجتماعی پلیس و ارائه آموزش های نظری و عملی به مأمورین پلیس، فعالیت می کند. هدف اصلی پیشگیری از شروع خشونت خانوادگی همزمان با نخستین پاسخ پلیس است (محمدنسل، ۱۳۹۱).

در سال ۱۹۸۳ با توجه به خشونت علیه زنان و مصونیت بزهکاران در داخل خانواده مشاوره امور بانوان ایالت سائوپائولو با کمک کانون وکلای برزیل و تشکل های مختلف زنان، حمایت دولت و مقامات شهر ۱۵ میلیون نفری سائوپائولو و پلیس را برای ایجاد کلانتری های ویژه بانوان جلب کرد. این کلانتری ها دارای مجوز اخذ شکایت های رسمی، انجام تحقیقات درازمدت و تعقیب مهاجمین بوده و حمایت و پناهگاه در اختیار زنان بزه دیده قرار می دهند و کارگاه های آموزشی برای زوج های مشکل دار تشکیل می دهند. خدمات قضایی، اجتماعی، پلیسی و سیاست های متمرکزتر بر بزه دیدگان زن و خشونت خانوادگی، در آرژانتین، استرالیا، کانادا، مکزیک و پرو نیز توسعه یافته است تا امنیت بیشتری را برای زنان تأمین کرده، برمسئولیت قانونی پلیس تأکید و همکاری بین پلیس و سرویس های اجتماعی برای پیشگیری از افزایش خشونت را سامان دهد. جرم و بی نظمی موجب تباهی محیط فیزیکی و اجتماعی شهری و انحطاط اجتماعی و تشدید حس ناامنی می شود. مقر اروپایی امنیت شهری با ارزیابی خود از برنامه های پیشگیری از جرم برای سراسر اتحادیه اروپا عناصر کلیدی پلیسی و اجرایی برای مراقبت مؤثر از امنیت در شهرها و گسترش جوامع امن تر را معین کرده است. بالهام از برنامه انگلیسی حمایت از ساکنین منازل (امن کردن خانه ها از طریق مهندسی) برنامه اعطای برچسب به منازل مسکونی امن توسط ادارات پلیس در مثلث روتر دام، لیدن، لاهه در هلند اجراء شد. پروژه نظارت عمومی کوکن که در مورد پروژه مسکن عمومی در شهر کرخولت انگلستان اتخاذ شد، با اعمال روش های پیشگیرانه برای ساختن زیستگاهی امن، معروف شده است. این پروژه شامل تدابیر وضعی مانند تقویت قفل ها و حاکای بر روی اموال قیمتی و اجرای برنامه مراقبت همسایگی است تا همسایگان تشویق به هوشیاری شوند و هرگونه فعالیت های مشکوک را به پلیس گزارش کنند. در گزارش شورای شهرداران فرانسه در سال ۱۹۹۳ برای پلیس نقش ۳ وجهی پیشگیری اعمال قانون و برقراری نظم و انسجام در جامعه لحاظ شده است و از اینجا روشن می شود که پلیس نه تنها در بعد اجرای قانون، بلکه در دو بعد دیگر هم باید نقش خود را ایفا کند. پلیس به عنوان نهاد پیشتاز جامعه وسیله ایجاد انسجام اجتماعی است و می تواند اقدام پیشگیری از جرم کند. نیروهای پلیس در ایالات متحده بسیار متفاوت از نیروهای پلیس در بیشتر کشورهای اروپایی هستند، از این نظر که متمرکز بوده و در برابر مقامات محلی پاسخگو هستند. برنامه های ملی به وسیله یک مدیر (فرمانده) و یک مقام قضایی (دادستان عمومی) نظارت می شود. سیاست روشن پلیس کشور پرتغال، حمایت از پیشگیری، تدوین و اجرای برنامه های پیشگیری از جرم نسبت به شهروندان سالمند، ارتقای امنیت مدارس و مساعدت به بزه دیدگان است. این برنامه ها براساس تعامل بین سرمایه گذاران خصوصی، نیروهای پلیس و موسسات آموزشی و اجتماعی بوده و از حمایت اساسی دولت و جامعه برخوردار هستند. پلیس ایالت کبک از طریق توافق بین نیروی پلیس و مقامات منتخب، در صدد حضور واقعی و صمیمانه و مشارکت پایدار با ساکنین محلی از طریق کمیته های پیشگیری است. برای کمک به توسعه شهرها و محله ها خیلی مهم است که تعادلی بین نقش سنتی سرکوبگرانه و نقش جدید پیشگیرانه پلیس برقرار شود. مأموریت پلیس باید بطور ویژه ای بیان شود زیرا هدف آن، کاهش جرم در عین احترام به حقوق بشر است. اعتماد عمومی به پلیس تا حد زیادی بستگی به این امر دارد که تا چه میزان شهروندانی که احساس می کنند قربانی سوء رفتار پلیس شده اند، بتوانند

شکایتی را به مقامات صالح به رسیدگی تقدیم کنند. برخی از ویژگی های فرهنگی موجود کشورهایمانند انگلستان و آمریکا نشان دهنده وجود برخی تعصبات، جمود و پیش داوری هایی مانند تبعیضات نژادی و جنسیت گرایی است (محمدنسل، ۱۳۹۱)

۷- علل به وجود آمدن جرم

عوامل اساسی مؤثر در ایجاد جرم نوعاً عوامل خطر^۱ خوانده می شوند. در ایران هم با ازبین رفتن زمینه های فرهنگی و تربیتی، زمینه های اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی از جمله فشارزندگی، تشدید مهاجرت ها و به هم خوردن نسبت تراکم جمعیت بین شهرها و روستاها، آشفتگی و به هم ریختگی ساختار جمعیت کشور، گرانی، بیکاری و همه دست به دست هم داده و موجبات کژ رفتاری برخی انسانها منجمله شرایط جرم را فراهم کرده است.

مراجع نظام عدالت کیفری تنها یکی از مراجعی است که با بیماران روانی سروکار دارند. مراکز بهداشت و درمان، مراکز خدمات عمومی نیز در برخورد مستقیم با بیماران مذکور بوده و در شکل دهی وضعیت آنان تأثیر دارند. بسیاری از بیماران روانی که باید در بیمارستان تحت حمایت های درمانی قرار بگیرند، در بازداشت گاه های پلیس و در زندانها به سر می برند.

- خلاء های قانونی که میتوان پس از شناسایی با ارائه لوایح مناسب به مجلس (قوه مقننه) در جهت رفع آن کوشید.
- عدم هماهنگی دستگاههای مختلف مرتبط (دولتی و غیر دولتی).
- توزیع ناعادلانه منابع و امکانات و فرصتها در سطح جامعه.
- غرور خودخواهی و کنجکاری افراد (یک شبه ره صدساله رفتن)
- عدم آگاهی و اطلاع افراد و بعضاً دستگاههای دولتی (نیروهای اجرائی) از قوانین موجود.

آگاهی دادن به مردم نسبت به جرائم و شیوه های اتخاذی مجرمین، توصیه ها و آموزشهای لازم برای گروههای خاص، پیش بینی طرح ها و پروژه های گروهی، تغییر محیط (مثلاً روشن تر کردن خیابانها)، تشویق و مساعدت شرکت های خصوصی جهت تولید و عرضه تجهیزات ایمنی با قیمت مناسب، ارائه طرحهای حفاظت فیزیکی، آموزش نیروهای مربوطه و نحوه بکارگیری آنها، پیش بینی راه هایی برای افشای کارهایی که پنهان بودن آنها، زمینه ارتکاب جرم را فراهم می سازد.

تشویق مردم به گزارش موارد مشکوک و ضد امنیتی به پلیس، بسیار مهم بوده و البته مستلزم وجود رابطه سالم، دوستانه و مبتنی بر اعتماد بین پلیس و مردم است. بطوریکه مردم با میل و رغبت، مشاهدات و اطلاعات خود را در اختیار مراجع انتظامی و امنیتی قرار دهند.

۱- تولید امنیت به روشهای ذیل امکان پذیر می باشد:

- الف- بخش دولتی:
 - آموزش نیروهای اختصاص یافته جهت برقراری امنیت (نیروی انتظامی و امنیتی) با استفاده از روشهای علمی و پیشرفته روز.
 - استفاده از تجهیزات، امکانات و فناوری پیشرفته و مدرن.
- ب- بخش خصوصی:

^۱. Risk factors

- آگاهی و آموزش افراد جامعه از طریق رسانه ها (دیداری - نوشتاری و شنیداری)
- آموزش نیروهای انسانی که در این بخش و بدین منظور بکارگیری می شوند.
- آموزش در خصوص نحوه بکارگیری نیروی انسانی.
- طراحی سیستمهای حفاظتی، الکترونیکی شامل نصب دوربین های مداربسته و استفاده از شیشه های ضد گلوله و ...
- تعیین محل مناسب ورود و خروج پرسنل، مشتریان، کالا، خودروها و ...

۲- حفظ امنیت

- جهت حفظ امنیت که با آموزش و اقداماتیکه در بند یک بدان اشاره شد بایستی مواردی بشرح ذیل را مد نظر قرار داد.
- تعمیر و نگهداری و بروز نگهداشتن امکانات و تجهیزات حفاظتی و امنیتی.
 - کنترل و نظارت بر عملکرد نیروی انسانی که بدین منظور بکارگیری می شوند و آموزش مستمر و بروز این نیروها.
 - آموزش مستمر و بروز (پیشرفته) نیروهای انتظامی و امنیتی که وظیفه ذاتی آنان برقراری و حفظ امنیت می باشد (پلیس و ...).
 - کنترل و نظارت مستمر و بروز کلیه نقاط کور، حساس و جرم خیز.
 - استفاده از تجهیزات مدرن و متناسب با ارزش اموال مورد حفاظت (حرز مناسب)
- برخی هم معتقدند که مهم ترین عوامل خطر مرتبط با رشد و توسعه مشکلات رفتاری، باتوجه به خصوصیات خود فرد محیط خانوادگی و تحصیلی نیز محله زندگی به شرح ذیل دسته بندی می شود:
- عوامل خطر فردی: ضعف اعتماد به نفس، رنج بردن از پیش فعالی، آرام نداشتن، فزون کاری، دشواری در آموختن و مشکل تمرکز، معاشرت با همسالان بزهکار و مصرف کنندگان مواد مخدر از جمله مهمترین عوامل خطر فردی محسوب میشود.
 - عوامل خانوادگی: بزه دیده خشنونت، سوء استفاده و سوء رفتارهای درون خانوادگی واقع شدن، فقدان عاطفه، زندگی توأم با بحران در خانواده و بیکاری والدین مهم ترین عوامل خطر خانوادگی است.
 - عوامل خطر مرتبط محیط تحصیلی: شکست تحصیلی، فرار از مدرسه، تعلیق تحصیلی یا اخراج از مدرسه، طرد از جانب دوستان یا آزار دیدن از طرف آنان فقدان حمایت والدین و بی توجهی آنان نسبت به نیازهای خاص تحصیلی نیز مهم ترین عوامل خطر مرتبط با محیط تحصیلی است.
 - عوامل زیست بوم: محله پرجمعیت، جمعیت متحرک و در رفت و آمد، محله نامناسب، بی سازمانی، نبود خدمات اجتماعی، همبستگی ضعیف و عدم احساس تعلق مهم ترین عوامل خطر مرتبط با محیط زیست بوم است (ابراهیمی، ۱۳۹۳).
- تمامی بخش های دولت موظف هستند تازمیننه لازم برای فعالیت تمام نهادها و افراد در برنامه های پیشگیری را ایجاد کرده و آن را حفظ و ارتقا بخشند. این افراد اعم از نهادهای دولتی مرتبط و تمامی بخش های جامعه مدنی، از جمله اشخاص حقوقی

خواهند بود. دولت وظیفه مدیریت، هماهنگی و تأمین بودجه و منابع لازم را برعهده دارد. دولت ها باید پیشگیری از جرم را به عنوان بخشی دائمی در ساختار خود در نظر بگیرند.

در سازمان ملل متحد، کشورهای عضو را به سمت دستیابی به تعادل در پاسخ های پیشگیرانه و سرکوب گرانه ترغیب می کند. شورای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ تصمیم گرفت تا شبکه اروپایی پیشگیری از بزهکاری را باهدف حمایت از فعالیت های دولت های عضو در زمینه پیشگیری تأسیس کند. حدود سالهای ۷۰ میلادی، برخی از کشورهای غربی، به تدریج بحث برنامه های راهبردی ملی در زمینه پیشگیری از بزهکاری را مطرح و برنامه های با موضوع خاص مانند پیشگیری از خشونت خانگی یا پیشگیری از به ستوه آوری جنسی - آزار جنسی در مدارس تهیه کردند. در فرانسه هم برنامه ملی مبارزه با خشونت علیه زنان را تهیه نمودند (دادستان، ۱۳۸۹).

۸- بحث و نتیجه گیری

پیشگیری از جرم، مقابله با مجرم و اجرای عدالت قضایی بر عهده دستگاه قضایی نهاده شده است و ضابطین قضایی به عنوان بازوان دستگاه قضایی نقش بسیار تعیین کننده ای در جریان تشکیل پرونده های کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارند. نقش ضابطین همواره بعد از وقوع جرم ظاهر می شود. در فاصله زمانی وقوع جرم تا مرحله صدور حکم و اجرای کامل آن، میان ضابطان و دستگاه قضایی رابطه ارگانیک برقرار می گردد و ضابطان قضایی به عنوان بخشی از دستگاه عدالت کیفری با پرونده اتهامی درگیرند و تحت امر دادسرا و مراجع قضایی وظایف مهمی چون کشف، تعقیب و تحقیق جرایم، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای مقتدرانه احکام صادره را ایفاء می نمایند.

برخورداری از امنیت در برابر جرم و ناامنی از اساسی ترین مولفه های امنیت انسانی به شمار می رود. پلیس فعالیت های مختلفی را در تأمین امنیت انسانی انجام می دهد. این فعالیت ها گاهی سرکوبگرانه و گاهی نیز پیشگیرانه هستند. اما، تدابیر پیشگیرانه به دلیل اقتصادی تر انسانی تر بودن آنها، از جایگاه والاتری برخوردارند. سازمان های پلیس و از جمله ناجا، تلاش دارند با اتخاذ رویکردهای علمی و کارآمد، نسبت به پیشگیری از جرم و ناامنی اقدام نموده و بستر لازم را برای توسعه پایدار و امنیت انسانی فراهم می سازند.

پیشگیری وضعی به عنوان یکی از روش های پیشگیری به مجموعه تدابیری اطلاق می شود که سلب، کاهش و حذف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است.

یکی از دلایل روی آوردن به این نوع پیشگیری، ناکارآمدی پیشگیری اجتماعی است زیرا در پیشگیری اجتماعی سعی می شود قصد واراده مجرم بی اثر شود و هدف آن جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل می باشد اما در پیشگیری وضعی بدون پرداختن به بزهکار، با اتکا به بزه دیدگان بالقوه سعی در بالا بردن امنیت وسخت کردن دستیابی به جرم و بالا بردن هزینه ارتکاب آن میشود تا جایی که ضرر آن فعل، بالنسبه به نفع آن برای مجرم بیشتر است. در حقیقت پیشگیری وضعی در کنار سایر پیشگیری ها دو هدف عمده و مهم را دنبال می کند:

- دشوار یا ناممکن نمودن وقوع جرم مانند کنترل ورودی و خروجی ها، ایجاد فضای قابل دفاع از بزه دیدگان، جمع آوری وسایل ارتکاب جرم از قبیل اسلحه، ایجاد موانع فیزیکی مانند نصب قفل روی فرمان ماشین و سایر موانع مثل گشت پلیسی و غیره...
- جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه مجرمانه مانند بالا بردن خطر شناسایی و دستگیری، کاهش جاذبه های وسوسه انگیز و تحریک کننده محیطی مانند چشم های الکتریکی، مخفی نمودن زیورآلات توسط زنان در محیط بیرون از منزل و...

۹- پیشنهادها

- خانواده: ایجاد روابط صمیمانه در خانواده کمکی است به نوجوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. مشاهدات روزمره نشان داده اند که کودکان و نوجوانان بزهکار عادات ناپسند خود را از پدر و مادر منحرف خود فرا می گیرند و به عنوان تقلید دست به کارهای خلاف می زنند.
- تأمین نیازهای مادی و معنوی: اگر نوجوان در این مورد دچار کمبود باشد به سرکشی و ستیزه جویی پناه می برد. حق هر فرزند است که از تغذیه، پوشاک، مسکن و تفریحات مناسب برخوردار گردد. دولت و مسئولان جامعه حتی در موقع طلاق.
- موظفند حداقل امکانات (یک زندگی معقول) را برای نوجوانان بخصوص افراد کم بضاعت فراهم آورند. بیکاری، تنهایی، نداشتن تحرک و فعالیت و نداشتن سرگرمی از علل جرم می باشند.
- تأمین محل و مسکن مناسب: شهرهای بزرگ که دارای تحرک جمعیت می باشند از اطراف و اکناف مهاجران دارای آداب و رسوم و فرهنگ های گوناگون را به خود جلب می کنند. هر اندازه خاصیت یکپارچه کردن جمعیت دشوار باشد میزان جرم نیز بالاست
- آموزش و پرورش مناسب با توجه به تعداد شاگردان در یک کلاس، استفاده از افراد متخصص (به عنوان معلم، وسایل تفریح مناسب)
- تربیت مذهبی (فرهنگ سازی با ادیان الهی)؛
- فراهم نمودن شغل و سرگرمی؛
- دستگاه های تبلیغاتی: انتشار مطالب سودمند، انتشار عکس؛
- مقررات تأمینی: بالا بردن سطح آگاهی مردم، گسترش خدمات بهداشتی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، کنترل برنامه ها و افزایش وسایل تفریحی، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، تعیین ضوابطی برای جلوگیری از انحراف، سلب ولایت قهری از والدین غیرصالح، تحصیل تعلیمات برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان
- تهدید به مجازات: به طور بالقوه شامل همه بزهکاران می شود.
- ایجاد مؤسسات راهنمایی و تربیتی: استفاده از روان پزشک، روان شناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوان.
- پلیس و دادگاه های نوجوانان: مهمترین شاخص در مؤلفه پیشگیری از وقوع جرم و ناهنجاری های اجتماعی شاخص حضور عینی و علنی پلیس در مناطق جرم خیز است و در دسترس بودن و حضور به موقع پلیس به هنگام نیاز شهروندان است که میتوان تأثیر زیادی گذاشت. پلیس نقش مربی و راهنما داشته باشد نه نقش کیفردهنده. بزهکار بیماری است که باید معالجه شود نه مجازات. پلیس برای پیشگیری باید کنترل کننده باشد (در اماکنی مثل پارک ها، خیابان های شلوغ، محل تفریح، فروشگاه های بزرگ و باشگاه های ورزشی). پلیس باید فردی تعلیم دیده و آشنا به روان شناسی و جرم شناسی باشد. برای کودکان بهتر است از پلیس زن استفاده نمود. رفتار پلیس باید بر اساس تجربه او باشد. او قادر باشد تفاوت بین بزرگسالان مجرم و نوجوان را بشناسد.
- در این خصوص نباید به شکنجه متوسل گردید، باید اعتماد نوجوان و جوانان را جلب کرد. عمل معالجه نیز باید به صورت انفرادی و با توجه به تفاوت های فردی صورت گیرد.
- به طور کلی، برای پیشگیری باید تمامی گروه ها و اقشار جامعه همکاری نمایند؛ نهادتحصیلی، نهادهای رسمی دولتی و غیردولتی، مذهبی، نیروهای انتظامی و انجمن ها. حتی کسانی که فرزند بزهکار ندارند باید در این امر شرکت نمایند. برای پیشگیری باید به کل بافت جامعه توجه نمود و نظریاتی را در همان اجتماع تدوین نمود نه اینکه از طرح های از پیش ساخته شده سایر جوامع برای حل معضل اجتماع خود استفاده کنیم. خدمات پیشگیری شامل روان درمانی، آموزش های انفرادی و گروهی می گردد.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳)، "درآمدی بر پیشگیری از جرم"، تهران: انتشارات نشرمیزان.
۲. شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۴) "چکیده مفاهیم علوم جنایی" تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
۳. روزبهنانی، محمدرضا، کاوند بروجردی، علیرضا (۱۳۹۴) "پیشگیری از وقوع جرم" تهران: انتشارات کتاب آوا.
۴. رستمی تبریزی، لمیاء (۱۳۹۳) "روان شناسی جنایی"، تهران: انتشارات مجد.
۵. حضرتی، صمد، قربانی، ابراهیم (۱۳۹۱) "ضابطین قوه قضاییه بایدها و نبایدها"، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
۶. جوان جعفری، عبدالرضا، سیدزاده ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۱) "رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم" تهران: انتشارات نشرمیزان.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲) "ترمینولوژی حقوق" تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. دادستان، پریخ (۱۳۸۹) "روانشناسی جنایی" تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. ذوالقدر، محمدباقر، توکل پور، محمدهادی (۱۳۹۳) "مدیریت راهبردی پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی" تهران: انتشارات قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۱۰. کی نیا، مهدی (۱۳۸۹) "روانشناسی قضایی" تهران: انتشارات مجد.
۱۱. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳) "کلیات پیشگیری از جرم" تهران: انتشارات نشرمیزان.
۱۲. محسنی، فرید (۱۳۹۴) "جرم شناسی" تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. محسنی، مرتضی (۱۳۹۲) "کلیات حقوق جزا" تهران: انتشارات گنج دانش.

Investigating the role of the police in Iran and international level

Iman Salmani

Master degree in criminal law and criminology

Abstract

The concept of crime in the word means "transgression and sin", "interruption, compulsion", "denial," "victimization," "victimization," "faction," "transgression," "impunity," "mischief," "sinfulness and error." Article 2 of the Islamic Penal Code of 2013 states: Either the activation or the abandonment of the verb which is prescribed in the law for that punishment is considered a crime. Prevention also means "prevention, prevention, exclusion, prohibition, priority for preservation". The occurrence of crime is a historical and global phenomenon that is different from the basic challenges of today's life, and mainly the approach to punishment and punishment. The purpose of this study is to determine how the police function and its functioning in the community, whether the judicial police could have a positive effect on the social issues of the people, in order to reduce the crime. The findings of crime prevention, confronting the offender, and administering justice are the responsibility of the organization and will solve a significant part of the country's security problems, which we will review in this article.

Keywords: Crime, Prevention, Police, Penalties, Justice, Judiciary, Community, Europe.
